

پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت^۱

دکتر حسن ملکی*

مجید حبیبی پور**

چکیده

متخصصان بزرگ تعلیم و تربیت با تأکید بر اهمیت تفکر، پرورش آن را یکی از هدفهای اصلی تعلیم و تربیت می‌دانند. بر این اساس، نظام آموزشی باید، به جای انتقال صرف اطلاعات به دانش‌آموزان، موقعیتهای مناسب برای پرورش تفکر کودکان را فراهم آورد.

تفکر، به‌ویژه تفکر انتقادی، خود به خود رشد نمی‌یابد بلکه ضروری است که به صورت نظری و عملی تدریس شود. این مقاله به بررسی ماهیت و مؤلفه‌های تفکر انتقادی و چگونگی تدریس و شکوفاسازی آن پرداخته است.

کلیدواژه‌گان: تفکر، تفکر انتقادی، آموزش و پرورش

۱ - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۸/۲۷ تاریخ آغاز بررسی مقاله: ۱۳۸۵/۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۴/۲۰

*. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. ای‌میل: malakico@yahoo.com

*. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. ای‌میل: m55hp@yahoo.com

مقدمه

یکی از ویژگی‌های اساسی انسان آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر^۱ است. به عبارت دیگر انسان می‌تواند از رفتار خود آگاه باشد و در برخورد با مسائل و امور متفاوت از نیروی تفکر خود استفاده کند (شریعتمداری، ۱۳۷۹). اگر چه علاقه به توسعه توانایی‌های تفکر انتقادی^۲ در محافل آموزشی پدیده‌ای جدید نیست و منشاء چنین علاقه‌ای به مکتب افلاطون برمی‌گردد (مایرز، ترجمه ایبلی، ۱۳۸۳). از آنجا که تفکر انتقادی این کار را برای فرد ممکن می‌سازد تا حقیقت را در میان به هم ریختگی حوادث و اطلاعاتی جستجو کند که همه روزه وی را احاطه می‌کند و به هدفش که رسیدن به کامل‌ترین درک ممکن است، دست یابد (جانسون^۳، ۲۰۰۲). متأسفانه علی‌رغم تأکید و توجه به مسأله تفکر در اهداف نظام‌های آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان و مجریان آموزشی، در عمل برای تشویق دانش‌آموزان در جهت تفکر و به ویژه به کارگیری تفکر انتقادی اراده و انگیزه کافی وجود ندارد. معلمان نیز با وجود اظهاراتی که حاکی از پذیرفتن این فرض است که تفکر انتقادی راه را برای آموزش بیشتر و بهتر به همراه می‌کند، همواره با شیوه‌های قالبی و حذف حقایق و ایجاد محیط خشک انضباطی، زمینه را برای حفظ کردن اطلاعات درسی فراهم می‌کنند. آنان این نکته را فراموش کرده‌اند که حفظ کردن مطالب و انباشتن ذهن دانش‌آموز از اطلاعات مرتبط و نامرتبط با زندگی واقعی سبب به هدر رفتن هزینه‌ها، امکانات و قابلیت‌های افراد می‌شود. برای آنکه نسلی پویا و تلاشگر داشته باشیم، باید شیوه‌های قضاوت درباره جامعه و تفکر در مورد زندگی خویش و دیگران را بیاموزند (شعبانی، ۱۳۸۱).

مدارس امروز متأسفانه به دلیل پیشرفت‌های علوم و فنون و براساس بعضی از رویکردهای روان‌شناختی، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق معطوف کرده و از تربیت انسان‌های متفکر و خلاق فاصله گرفته‌اند (شعبانی، ۱۳۸۲)، اما خوشبختانه در سال‌های اخیر روان‌شناسان پرورشی و دیگر صاحب نظران از تأکید زیاد مدارس بر انتقال دانش و اطلاعات به دانش‌آموزان انتقاد کرده و معلمان را بیش‌تر به پرورش مهارت‌های اندیشیدن و تفکر در یادگیرندگان سفارش کرده‌اند (سیف، ۱۳۷۹).

-
1. thinking
 2. critical thinking
 3. Johnson

با وجود این واقعیت‌ها ما شاهد تبلیغات و ادعاهای غیرواقعی هستیم مبنی بر اینکه در آموزشها به تفکر انتقادی توجه می‌شود، در حالی که عملاً تفکر انتقادی به دانش‌آموزان که برخی از آنان معلمان آینده هستند، آموزش داده نمی‌شود. آنان هیچ درکی از مراحل آن ندارند و این چیزی نیست که توسعه واقع بینانه تفکر انتقادی مستلزم آن باشد. ما هرگز باور نکرده‌ایم که تفکر انتقادی در حال از میان رفتن است تا ضرورت تدریس تفکر انتقادی در کلاسهای درس را بپذیریم (پاول و الدر^۱، ۲۰۰۰). واقعیت این است که در عصر کنونی کتاب‌های درسی قبل از چاپ شدن کهنه می‌شوند و بیشتر مشاغل، سریعاً تغییر می‌کنند، پس وقت آن رسیده است که تعلیم و تربیت نیز شرایطی دیگر پیدا کند و به پرورش تفکر انتقادی در افراد به منزله یکی از هدفهای اصلی تعلیم و تربیت بیشتر توجه شود. در فرایند آموزش می‌بایست ضمن تقویت روحیه انتقاد پذیری در معلمان و زمینه بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد (مایرز، ترجمه ابیلی، ۱۳۸۳) چون موفقیت هر نظامی به توانایی افراد در تحلیل و تصمیم‌گیری متفکرانه بستگی دارد (شعبانی، ۱۳۸۲) و آموزش و پرورش هر کشور نباید از این امر مهم غافل بماند.

ضرورت و اهمیت

تفکر انتقادی به منزله مهارت اساسی برای مشارکت عاقلانه در یک جامعه دموکراتیک شناخته شده و در دنیای مدرن تجارت به منزله مهارت ضروری مورد حمایت است (آندولینا^۲، ۲۰۰۱). تفکر انتقادی می‌شود که، فرد از مدارک و شواهد موجود بالاترین درک را داشته باشد و درک کردن فرد را قادر می‌سازد تا نظرات و معانی را که در ورای هر چیز مهم وجود دارد آشکار سازد (جانسون^۳، ۲۰۰۲).

حتی در موقعیت‌های روزمره، تفکر انتقادی، تفاوت واقعی میان موفقیت و شکست در هر کار را به مرز می‌نمایاند و به موفقیت یاری می‌رساند (آندولینا، ۲۰۰۱).

تفکر انتقادی از طریق ایجاد روابط معقول میان انسان‌ها و تصمیم‌گیری بر اساس تحلیل عناصر یک موقعیت و تفکیک عناصر مطلوب از نامطلوب، زندگی توأم با آرامش و مهربانی را به

-
1. Paul and Elder
 2. Andolina
 3. Johnson

ارمغان می‌آورد، بنابراین اگر مدارس ما در آموزش این امر مهم ناموفق باشند، جامعه ما و در نهایت جامعه جهانی شکست خواهد خورد.

به طور کلی در زمینه ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. تفکر انتقادی یکی از ابعاد اساسی وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می‌شود.
۲. تفکر انتقادی منطبق با ویژگی‌های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی طلبی است.
۳. کاربردی کردن یادگیری یا یادگیری بر اساس فعالیت خود یادگیرنده انجام می‌شود.
۴. متناسب با ویژگی‌های عصر فراصنعتی و تغییر و تحول فزاینده آن است.
۵. برگرفته از اهداف اساسی تعلیم و تربیت است (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰).

پیشینه تحقیقات

توجه به تفکر انتقادی، پژوهش درباره آن و علاقه به توسعه توانایی‌های تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیده جدید نیست و منشاء آن به مکتب افلاطون برمی‌گردد (مایرز، ترجمه ابیلی، ۱۳۸۳). در این زمینه تحقیقاتی در کشورهای دیگر و هم‌چنین در کشور خودمان انجام گرفته است.

از تحقیقاتی که در کشورهای دیگر انجام شده به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- مطالعات گسترده‌ای که پاول و الدر (۲۰۰۰) در ۳۸ دانشگاه دولتی و ۲۸ دانشگاه خصوصی (غیرانتفاعی) که درباره اعتبار نامه‌های علمی اساتید دانشگاه انجام داده، نشان می‌دهد، با وجود اینکه همه استادان، تفکر انتقادی را به منزله یک هدف اولیه برای آموزش‌شان می‌شناسند و باور دارند که به خاطر آن تدریس می‌کنند، اما عده اندکی از آن‌ها توانستند:

* تعریف روشنی از تفکر انتقادی ارائه دهند.

* استانداردهای عقلانی را که تفکر انتقادی بر پایه آن‌هاست، توضیح دهند.

* توانایی‌های تشکیل‌دهنده آن را تشخیص دهند.

*ویژگی‌های عقلانی یا تمایلات مرتبط با تفکر انتقادی را مورد بحث قرار دهند (پاول و الدر، ۲۰۰۰).

• آزمون و بررسی که انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی ریاضی و علوم تیمز^۱، در زمینه بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مطالعه‌ای است که تاکنون این انجمن (IEA) طراحی کرده است. توانایی تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی در باره مسائل و ساختن نظریه انجام داده و اگرچه این موضوعات در حد اندکی در محتوای علوم اکثر کشورها مورد توجه قرار گرفته است، اما تدوین‌کنندگان کتاب‌های درسی علوم در کشورهای ایران و اسکاتلند کاملاً از آن غافل بوده‌اند (به نقل از: هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰، شعبانی، ۱۳۸۲).

• تحقیق دیگری را بل و همکارانش در سال ۲۰۰۲ میلادی انجام دادند در آن شش فرایند بر استراتژی‌های یادگیری گروهی متمرکز شده بود و هدف از آن تدریس روش کار و چگونگی عمق بخشیدن، تحلیل کردن و استفاده کردن از تفکر انتقادی (به دانشجویان پرستاری) در برخورد با مواردی بود که در موقعیت‌های کلینیکی با آن‌ها مواجه می‌شدند. بر اساس آن تحقیق به این نتیجه رسیدند که دانش تجربی و نظری (تئوریک) دانشجویان تقویت شده است (Staub, 2003).

• براساس یک نظرسنجی که در این زمینه انجام شده است در پاسخ به پرسش:

«چه انتظاراتی از فعالیت‌های تربیتی دارید؟» ۸۲ درصد از اعضای انجمن نظارت و برنامه‌ریزی درسی (ASCD) که عامل تحول نظام‌های آموزشی دنیا هستند، آموزش تفکر را از انتظارات مهم تربیتی ذکر کردند (به نقل از: شعبانی، ۱۳۸۲).

• تحلیل سیلور (۱۹۸۶) درباره نتایج آزمون سراسری که (ارزیابی ملی پیشرفت آموزش و پرورش) انجام داده حاوی نمونه‌های متقاعدکننده‌ای است که نشان می‌دهد، چگونه دانش‌آموزان با تکالیف علمی - آموزشی به طور ماشینی و بدون فکر کردن برخورد می‌کنند (مارزینو و دیگران، ترجمه احقر، ۱۳۸۰).

• در پژوهشی دیگر اردن^۲، در سال ۲۰۰۱ در یک محیط آزمایشگاهی کنترل شده به صورت یک موقعیت کلینیکی پیچیده پرستاری، شبیه‌سازی شده بود، انجام داده است و هدف آن

آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بود، پاسخ‌های دریافت شده بعد از آن، همان پاسخ‌های مطلوب و مورد نظر دانشکده بود (استیب، ۲۰۰۳).

در ایران تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است عبارتند از:

- نتایج تحقیقی که حسن شعبانی (۱۳۸۰) با عنوان «تاثیر روش حل مسئله به صورت کار گروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی در شهر تهران» انجام داده است، نشان می‌دهد که روش حل مسئله به روش فعالیت گروهی نقشی ارزنده در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی دارد.
- مهمترین یافته تحقیق دیگری که جعفر جهانی (۱۳۸۰) در آن به نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزش تفکر انتقادی لیمن پرداخته این است که آموزش تفکر انتقادی منحصرأ از طریق فرایندهای پژوهشی ممکن می‌شود. پس معلمان و مجریان با عنایت به این نکته باید به پرورش روح پژوهشگر و رشد قوه تفکر دانش‌آموزان پردازند.
- پژوهش دیگری را فریده هاشمیان‌نژاد (۱۳۸۰) با عنوان ارائه و چهارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تاکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی انجام داده است. در این پژوهش هشت مهارت: (۱) سوال کردن (۲) تحلیل کردن (۳) ارزیابی (۴) ارتباط دادن (۵) استدلال کردن (۶) سازماندهی مفاهیم علمی مربوط (۷) کاربرد واژگان انتقادی (۸) فراشناخت، برای تفکر انتقادی در نظر گرفته شده است.

مفهوم تفکر انتقادی

تفکر انتقادی تقریباً به معنای تفکر اندیشمندانه و منطقی است که روی تصمیم‌گیری برای انجام دادن چیزی یا باور آن متمرکز است. از این اصطلاح این روزها به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود (انیس^۱، ۲۰۰۲). تفکر انتقادی، نقد کردن صرف نیست (وینینگهام و پروسر^۲، ۲۰۰۱)، همینطور، منظور از کلمه انتقادی در این جا نگاه گله‌مندانه و شکایت‌آمیز هم نیست، بلکه نگاهی تیزبینانه^۳ است (سیف، ۱۳۷۹، ص ۵۵۰).

-
1. Ennis
 2. Winningham & Preusser
 3. thoughtful

اما بیش تر اوقات کلمه انتقادی، معنای ضمنی نقد کردن را به ذهن شنونده متبادر می‌کند که بعد منفی دارد و تأثیری ناخوشایند و نامساعد بر یک ایده، تئوری یا عمل می‌گذارد. و اگر از واژه انتقادی در تفکر انتقادی این معنا استنباط شود، مسلماً به تفکر انتقادی به منزله نوعی ارزیابی غیرسازنده نگریده می‌شود (آندولینا، ۲۰۰۱) در حالی که تفکر انتقادی فرآیندی تحلیلی^۱ است که می‌تواند به شما کمک کند تا در جریان یک مسئله شیوه‌ای مؤثر و سازماندهی شده قرار گیرید و درباره آن مشکل فکر کنید (وینینگهام و پروسر، ۲۰۰۱).

پس تفکر انتقادی بیش از نقد کردن و هر فعالیت ذهنی دیگر هدفمند است، البته گاهی تفکر انتقادی این دو مورد را نیز شامل می‌شود. تفکر انتقادی فرآیندی است که به موجب آن نظرات، اطلاعات و منابعی را که آن اطلاعات را فراهم می‌کند ارزیابی می‌کنید و به طور منسجم و منطقی آنها را نظم می‌بخشید، با عقاید و اطلاعات دیگر مرتبط می‌سازید، منابع دیگر را در نظر می‌گیرید و برای مفاهیم ضمنی آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهید (آندولینا، ۲۰۰۱).

تعریف تفکر انتقادی

از تفکر انتقادی تعاریف متفاوت شده است که نشان‌دهنده تفاوت دیدگاهها در تعریف این مقوله است.

ریچارد پاول^۲ (۱۹۹۲) یکی از کارشناسان طراز اول، تفکر انتقادی، آن را این گونه تعریف می‌کند: هنر اندیشیدن درباره تفکر تان، وقتی که شما می‌اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید، یعنی آن را روشن‌تر، درست تر و قابل توجه‌تر بیان کنید (اسمیت استونر^۳، ۱۹۹۹، ص VI).

جان چافی^۴ (۱۹۹۴) تفکر انتقادی را چنین تعریف می‌کند: تفکر انتقادی فرآیند تفکر را با روش و قاعده کشف می‌کند که این نه تنها به معنای تعمق هدفمندانه است، بلکه آزمودن مدرک و منطقی است که ما و دیگران از آن استفاده می‌کنیم (جانسون، ۲۰۰۲، ص ۱۰۲).

انیس (۱۹۸۵) تفکر انتقادی را " تفکر مستدل و تیزبینانه درباره این که چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم " تعریف می‌کند.

- 1 . analytical
- 2 . Richard Paul
- 3 . Smith-Stoner
4. Johm Chaffee

وولفولک (۱۹۹۵) در تعریف تفکر انتقادی می‌گوید: ارزیابی تصمیمات از راه بررسی منطقی و منظم مسائل، شواهد راه حل‌هاست (به نقل از: سیف، ۱۳۷۹، ص ۵۵۰).

تعریف دیگری که انجمن روانشناسی آمریکا^۱ (۱۹۹۰) ارائه کرده، این است: ما تفکر انتقادی را این گونه درک می‌کنیم که باید قضاوت خودساخته و هدفمندی باشد که منجر به تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط شود. علاوه بر این توضیحی را در برمی‌گیرد. متکی بر دلیل و مدرک، توضیح مفهومی، منظم و قانونمند با ملاحظات متنی که برپایه آن قضاوت انجام شده است (اسمیت استونر، ۱۹۹۹، ص VI).

باربارافولر^۲ ده تعریف تفکر انتقادی را از اشخاص گوناگون گردآوری کرده و ارائه داده است که از میان آن‌ها به چند مورد اشاره می‌شود:

- لندزی، هال و تامسون^۳ (۱۹۸۷): تفکر انتقادی عبارت از آزمودن و بررسی قابلیت کارآیی راه‌حل‌های پیشنهاد شده است.
- نوریز^۴ (۱۹۸۵): تفکر انتقادی تصمیم‌گیری عقلانی است درباره این‌که چه چیزی را باید باور کرد و چه چیزی را نباید باور کرد.
- سیمون و کاپلن^۵ (۱۹۸۹): تفکر انتقادی صورت بندی استنتاج‌های منطقی است.
- استل و استل^۶ (۱۹۹۱): تفکر انتقادی توسعه‌الگوهای استدلال منسجم و منطقی است.
- موره و پارکر^۷ (۱۹۹۴): تفکر انتقادی تعیین هشیارانه و آگاهانه پذیرفتن و رد کردن یا قضاوت معلق است (به نقل از: عباسی یاد کوری، ۱۳۸۱، ص ۲۲-۲۳).
- هاشمیان‌نژاد (۱۳۸۰، ص ۱۸) در تعریف تفکر انتقادی می‌گوید: تفکری است مستدل و منطقی به منظور بررسی و تجدیدنظر عقاید، نظرات، اعمال و تصمیم‌گیری درباره آنها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آنها و نتایج درست و منطقی که پیامد آنها است.

1 American Psychological Association

2 - Barbara Fowler

3 . Lindzy; Hall; & Thompson

4 . Norris

5 . Simon & Caplan

6 . Stel & Stel

7 . Moore & Parker

مقایسه تفکر عادی و تفکر انتقادی

لیپمن^۱ میان تفکر عادی و تفکر انتقادی تمیز قائل می‌شود. تفکر عادی، ساده و فاقد ملاک است اما تفکر انتقادی، پیچیده‌تر و بر پایه ملاک‌های عینی است. او از معلمان می‌خواهد تا تغییرات زیر را (از تفکر عادی به سمت تفکر انتقادی) در دانش‌آموزان پدید آورند (ارنشتاین و هانکینس، ترجمه خلیلی شورینی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷).

می‌توانیم تفاوت‌های میان تفکر عادی و تفکر انتقادی را از دیدگاه لیپمن را در جدول زیر مشخص و آنها را با هم مقایسه کنیم:

مقایسه تفکر عادی و تفکر انتقادی از دیدگاه لیپمن

تفکر انتقادی	تفکر عادی
تخمین‌زدن	حدس‌زدن
ارزشیابی کردن	ترجیح‌دادن
طبقه‌بندی	گروه‌بندی
فرض کردن	باورکردن
استنتاج منطقی	استنتاج
اصول درک شده	مفاهیم هم‌خوان
توجه به روابط متقابل	توجه به ارتباطات
فرض کردن	تصور کردن
پیشنهاد با دلیل	پیشنهاد بدون دلیل
قضاوت با معیار	قضاوت بدون معیار

ویژگی‌های تفکر انتقادی

ریچارد پل و لیندا الدر^۲ در باره ویژگی‌های تفکر انتقادی به موارد دیر اشاره می‌کنند:

* پیشرفت انتقادی مثل پیشرفت در بسکتبال، نواختن آلت موسیقی و... است و غیرممکن است که بدون تعهد آگاهانه، یادگیری و پیشرفتی در این زمینه حاصل می‌شود.

* تا هنگامی که ما تفکرمان را بی اهمیت بپنداریم، کار مورد نیاز برای پیشرفت آن انجام نداده‌ایم.

1 . Lipman

2. Richard Paul & Linda Elder

* پیشرفت در تفکر انتقادی فرآیندی تدریجی است که شامل سعی و کوشش و کار سخت و صریح است.

* یک فرد به دلیل داشتن یک مدرک دانشگاهی، یک متفکر عالی نمی‌شود.

* داشتن اعتماد به نفس در تفکرات خود، نشانه تفکر انتقادی نیست. همان طور که نمره بالا در تست هوش نشانه نابغه بودن نیست.

* تفکر انتقادی نیاز به توسعه عادات خاص اندیشیدن دارد، عادات فکر کردنی که هیچ کس با آن‌ها متولد نمی‌شود.

* تفکرات انتقادی نیازمند تمرین مرحله‌ای در یک دوره زمانی گسترده است. (پاول و الدر، ۲۰۰۰).

چمستر و جانسون^۱ به موارد زیر به عنوان ویژگی‌های تفکر انتقادی و نکاتی اشاره می‌کنند که می‌توان از آن‌ها برای ارزیابی متفکران منتقد استفاده کرد و آن‌ها را از ویژگی‌های متفکران منتقد می‌دانند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

کنجکاوی اندیشمندانه

۱. این فرد پرسشهای جالبی طرح می‌کند؟

۲. نیاز به دانستن دارد؟

۳. در کسب تجربیات جدید شادمان می‌شود؟

۴. دوست دارد چیزهای جدید بخواند؟

عینت‌گرایی: بهره‌گیری از عوامل عینی هنگامی که فرد تصمیم‌گیری می‌کند و از متاثر شدن به وسیله احساسات یا عوامل ذهنی دوری می‌کند:

۱. فرد به مدرک نگاه می‌کند؟

۲. فرد از گرفتار شدن در جنبه‌های احساسی مسئله خودداری می‌کند؟

گسترده‌گی فکر (ذهن باز): خواهان در نظر گرفتن گسترده وسیعی از عقاید باشد:

۱. فرد به هر دو طرف قضیه توجه می‌کند؟

۲. فرد همه جنبه‌ها را در نظر می‌گیرد؟

۳. فرد از یک دیدگاه خاص طرفداری متعصبانه نمی‌کند؟

انعطاف پذیری: نشان دادن تمایل برای تغییر دادن عقاید یا شیوه‌های بررسی و تحقیق.

۱. فرد از یک موضع جدی و متعصبانه دوری می‌کند؟

۲. فرد مصالحه را می‌پذیرد؟

۳. فرد رویکردهای متفاوت موجود برای یک مسئله را امتحان می‌کند؟

شک گرای معقول: نپذیرفتن یک نتیجه در حکم نتیجه واقعی و درست تا زمانی که شاهد و

مدرک کافی فراهم شود.

۱. فرد از پذیرفتن چیزهای واضح خودداری می‌کند؟

۲. فرد دیدگاه‌هایی را مورد پرسش و تردید قرار می‌دهد که دلیل و مدرک کمی برای آن‌ها

وجود دارد؟

صداقت خردمندانه: قبول اظهارات درست حتی اگر مغایر با مصلحت فردی باشد.

۱. این فرد دلایل موافق و مخالف را می‌شنود؟

۲. فرد واقعاً سعی می‌کند که دیدگاه فرد دیگر را بفهمد؟

۳. فرد از حقایق حمایت می‌کند، حتی زمانی که آن‌ها علیه دیدگاه خود او باشد؟

روشمند بودن: پیروی مداوم از یک خط‌مشی منطقی تا رسیدن به یک نتیجه.

۱. فرد از مسائل نامربوط اجتناب می‌کند؟

۲. فرد بحث را به صورت منطقی سازماندهی می‌کند؟

۳. فرد در جست و جوی نتیجه‌ای است که مستقیماً از شواهد حاصل می‌شود؟

ایستادگی پافشاری و استقامت به هنگام تلاش برای حل مشاجرات:

۱. فرد ایستادگی می‌کند؟

۲. فرد زمانی که دیگران از یافتن پاسخ دست برداشته‌اند، به جست و جو ادامه می‌دهد؟

مصمم بودن: رسیدن به یک نتیجه زمانی که مدارک آن را توجیه می‌کند.

۱. فرد به یک نتیجه‌گیری می‌رسد؟

۲. فرد طبق مدرک عمل می‌کند؟

۳. فرد کارش را براساس یک تصمیم ادامه می‌دهد.

احترام قائل شدن به سایر دیدگاه‌ها: تمایل به پذیرفتن اینکه شاید فرد در اشتباه است و دیگران درست می‌گویند.

۱. فرد برای عقاید دیگران احترام قائل می‌شود؟

۲. فرد مباحث و راه‌های مناسب پیشنهادی دیگران را می‌پذیرد؟

۳. فرد دیدگاه خودش را با یکی از چندین دیدگاه ممکن می‌شناسد (چمستر و جانسون، ۱۹۹۲، صص ۶-۷).

مواردی که به آن‌ها اشاره شد از ویژگی‌های تفکر انتقادی هستند و یک متفکر منتقد باید دارای این صفات و ویژگیها باشد. در واقع این موارد برای پیشرفت او ضروری هستند.

اجزای اصلی تفکر انتقادی

"برک"^۱ برای تفکر انتقادی هفت جزء در نظر گرفته و آن‌ها را اجزای اصلی تفکر انتقادی عنوان کرده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد و درباره هر یک از آنها توضیحات ضروری داده خواهد شد.

تشخیص و مورد پرسش قرار دادن. فرض‌ها:

* سعی کنید فرض‌هایی را شناسایی کنید که زیر بنای نظرات، عقاید و اعمال هستند و ما آنها را بی‌اهمیت می‌پنداریم.

* به شناسایی فرض‌هایی بپردازید که در مباحث دیگران پیش آمده‌اند.

* پس از مشخص شدن فرض‌ها، درستی و ارزش آن‌ها را بررسی کنید.

* پرسش‌هایی درباره فرض‌هایی که مسلم پنداشته می‌شوند، پرسید که آیا معنای عمومی این نظریه‌ها با واقعیت‌هایی که شما در زندگی روزانه تجربه می‌کنید، تناسب دارند؟

* کشف کنید که چگونه فرض‌های پنهانی و فرض‌هایی که از نظر انتقادی به طور کامل درک نشده‌اند، برای شکل‌دهی استنباط‌های عادی ما، ادراک و تفسیرهای این دنیا، مهم هستند، چون این تفسیرها رفتارهای فردی و سازمانی، سیاست‌های عمومی و کیفیت زندگی ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

* آگاه شدن از شرایطی که در آن عمل می‌کنید (یعنی فرهنگی که محیط بر زندگی شماست) * متفکران منتقد از چگونگی همه افکار و اعمالی که متأثر از شرایط خاصی هستند، آگاه می‌شوند.

* وقتی شما مطلع می‌شوید که چگونه شرایط، به شیوه زندگی و تفکر شما شکل می‌دهد، می‌فهمید که در شرایط دیگر ضوابط، رفتارها و تفسیرها متفاوت خواهند بود.

تصور و کشف گزینه‌های دیگر یعنی شیوه‌های جدید تفکر و عمل کردن

تفکر انتقادی نیازمند این توانایی است که گزینه‌های دیگری برای شیوه‌های موجود اندیشیدن و عمل کردن، تصور و کشف شود تا شرایط و مبنای آن‌ها بررسی شود. بیندیشید که جامعه ما در بهترین شرایط خود چگونه خواهد بود و چگونه می‌توان آن را عملی ساخت؟ بدترین چیزهایی که ممکن است اتفاق بیفتد و اقدامات پیشگیری از آن‌ها را تصور کنید.

شک‌گرایی اندیشمندانه را گسترش دهید.

هنگامی که ما به گزینه‌های دیگری برسیم که برای مجموعه عقاید ظاهراً ثابت رفتارهای عادی و ساختارهای اجتماعی محکمی همیشه وجود دارند، در این صورت نسبت به ادعاها و حقایق جهانی یا نسبت به راه حل‌های نهایی شک می‌کنیم. البته ذکر این نکته به این معنی نیست که ما هیچ چیز را باور نداریم، بلکه به این معناست که اعتقادات ما باید با براهین قوی و هم‌آهنگ با واقعیت همراه باشد.

اعتقاداتی محکم‌تر از همه هستند که با تجزیه و تحلیل انتقادی امتحان شده باشند. چنین اعتقاداتی آگاهانه و منطقی هستند و با این احتمال که شاید آن‌ها هم غلط باشند، متعادل شده‌اند و اگر سؤالی درباره آنها پرسیده شود، ما می‌توانیم با دلایل، اعتقاداتمان را توجیه کنیم و با دلیل و مدرک از آنها حمایت کنیم. ما می‌توانیم فرض‌ها و گمان‌های خودمان را بشناسیم و محدودیت‌های بافت خودمان را تشخیص دهیم.

مواظب کسانی باشید که آینده را پیش‌بینی می‌کنند.

به خاطر داشته باشید که هیچ کس نمی‌تواند آینده را به طور دقیق و صحیح پیش‌بینی کند. ما می‌توانیم بیندیشیم، حدس‌های خوبی بزنیم یا بگوییم که اگر روند یا راه کنونی فعالیت ادامه یابد، احتمالاً چه چیزی اتفاق می‌افتد. اما هرگز نمی‌توانیم مطمئن باشیم که آینده چه چیزی برای ما دارد. با وجود این ما باید براساس فرض‌هایی که درباره آینده داریم، سیاستگذاری و عمل کنیم.

با تشخیص این فعالیت‌ها و سیاست‌هایی که براساس فرض‌ها هستند ما در موقعیت بهتری خواهیم بود تا به محض ظهور حقایق جدید و بافت‌های جدید، آن‌ها را تغییر دهیم.

مراقب تناقضات درونی یک بحث باشید.

زبان شناس معروف، نوام چامسکی این نکته را به خوبی نشان می‌دهد. هنگامی که از او درباره دلایل جنگ عراق پرسیدند، اظهار داشت، دلایلی که به ما ارائه شده احتمالاً نمی‌توانند دلایل واقعی حمله به عراق باشند. ما می‌دانیم که آن دلایل از نظر درونی دارای تناقض هستند.

منابع خودتان را بشناسید.

نخستین منبعی که زیر نام «گوگل» پیدا می‌کنید، ممکن است اصلی‌ترین منبع برای مطالبی که نیاز دارید، نباشد. منابع بسیاری هستند که گرایش ایدئولوژیکی خاصی دارند. لازم است شما اظهاراتشان را درباره فلسفه آنها بخوانید و نیز منابع را بررسی کنید تا مطمئن شوید که دیدگاهی یک جانبه را بررسی نمی‌کنید و سعی کنید به منابع اصلی مطالب دسترسی پیدا کنید (برک، ۲۰۰۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی

اگر مسئولان و متخصصان تعلیم و تربیت می‌خواهند که افراد آینده جامعه‌مان، یعنی همین دانش‌آموزان کنونی مدارس در آینده افرادی مفید برای جامعه باشند و نظام آموزشی نیز با موفقیت وظیفه خود را انجام دهد، پیشنهاد می‌شود که به تفکر انتقادی به منزله یک ضرورتی انکارناپذیر در مسائل علوم تربیتی و آموزش و پرورش توجه کنند.

همچنین ضرورت دارد که در برنامه‌های مدارس روش‌هایی اتخاذ کنند که به یاری آنها دانش‌آموزان قابلیت‌های چگونه آموختن را به روش انتظام فکری بیاموزند؛ زیرا معرفت در فرایند اندیشه منظم رشد می‌یابد و محیط‌های آموزشی و روش‌های حاکم بر آن‌ها در تحقق یافتن این اهداف نقش اساسی دارند. لازم است دانش‌آموزان بیاموزند که به جای ذخیره‌سازی حقایق، با مسائلی که در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه می‌شوند، درگیر سازند.

این مقاله نخستین گام برای آشنایی با مفاهیم اساسی و اصلی درباره تفکر انتقادی، ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی است. برای کاربردی کردن و بهره‌گیری از این موارد در کلاس درس، آشنایی با روش‌های تدریس متناسب با این رویکرد و... نیازمند تحقیق بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر است. پیشنهاد می‌شود که مراکز برنامه‌ریزی و تولید مواد آموزشی آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی از طریق شوراهای و کمیته‌های برنامه‌ریزی تفکر انتقادی را در اهداف و محتوای دروس گوناگون تحلیل کنند و برنامه‌های درسی را متناسب با ظرفیت فکری دانش‌آموزان و مبتنی بر تفکر انتقادی طراحی کنند.

منابع

- ارنشتاین، آلن سی، هانکینس، فرانسیس پی (۱۳۷۳). مبانی فلسفی، روانشناختی و اجتماعی برنامه‌درسی، ترجمه سیاوش خلیلی شورینی، تهران: یادواره کتاب.
- جهانی، جعفر (۱۳۸۰). نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی لیپمن، رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه تهران.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)، تهران: آگاه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: امیرکبیر.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). روانشناسی تربیتی، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۰). تاثیر روش حل مسئله به صورت کارگروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی در شهر تهران، رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر)، تهران: انتشارات سمت.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۱). مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت.
- عباسی یادکوری، مروارید (۱۳۸۱). بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی مقطع متوسطه در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی بر مبنای دیدگاه اجتماعی برنامه درسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

مارزینو، رابرت جی. و دیگران (۱۳۸۰). ابعاد تفکر در برنامه‌ریزی و تدریس، ترجمه قدسی احقر، تهران: یسطرون.

مایرز، چت (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایلی، تهران: انتشارات سمت.

هاشمیان‌نژاد، فریده (۱۳۸۰). ارائه چهارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تاکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی، رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.

Andolina, Mike (2001) Critical thinking for working students, Columgia, Delmar press.

Burke, Catherine g.(2003) What is critical Tjomlmg, available

at: [http:// www. Usc.edu/ schools/sppd/private/documents/doctoral/resources/crotocal thinking.pdf](http://www.Usc.edu/sppd/private/documents/doctoral/resources/crotocal%20thinking.pdf)

Ennis, Robert h. (2002) An outline of goals for a critical thinking curriculum and its assessment, available at:[http://faculty. ed. Uiuc.edu/rhennis](http://faculty.ed.Uiuc.edu/rhennis)

Johnson, Elanine b. (2002) Contextual Teaching and learning: what it is and why its here to stay, u nited kingdom, Corwin press.

Paul, Richard and Elder, Linda(2000) Critical Thinking: the path to responsible citizenship, High school Magazine, 7 no810015ap2000.

Smith- stoner, marilyn(1999) Critical Thinking activites for nursing, philadelphia, lippincott Williams & wilkins press.

Staib, Sharon(2003) teaching and measuring critical thinking, journal of nursing education, vol.42, no. 11, pp 498-508.

Winningham, maryll. And preusser, barbara.(2001) crotoca; tjomlmg om ,edoca;- sirgoca; settomgs(a case study approach), Missouri, mosby, inc press.

Zechmeister, Eugene b. and james e. Johnson (1992) Critical Thinking a functional approach, California, brooks/ cole press.